



فن ترجمه قرآن

علی فتاحی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۳

فتحی، علی، ۱۳۵۲ -
فن ترجمه قرآن / علی فتحی. - - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
۲۵۶ ص. - - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۱۵: قرآن پژوهی: ۹۳)
بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه، ص. [۲۳۷] - ۲۴۴: همچنین به صورت زیرنویس.
۱. قرآن - ترجمه - روش شناسی. ۲. Qur'an--Translating--Methodology. ۳. قرآن - ترجمه - راهنمای آموزشی.
۴. Qur'an--Translating--Study and teaching. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
BP۶۰/۶ ۲۹۷/۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی ۹۲۷۸۳۸۴



فن ترجمه قرآن

مؤلف: دکتر علی فتحی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار: سید علی شاهچراغ

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۳

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۷۷-۷

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع آموزشی برای طلاب و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم قرآن و حدیث و رشته‌های همگون با آن تهیه شده است. امید آنکه دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند انتظار داریم با ارائه پیشنهادها، نقدها و دیدگاه‌های اصلاحی خود ما را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی فتحی و نیز از ارزیابان محترم، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا صفوی و دکتر مسعود فکری سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

فهرست اجمالی

۱.....	پیشگفتار.....
۷.....	مباحث پیشینی.....

بخش اول: مباحث نظری ترجمه قرآن

۱۹.....	فصل اول: پیشینه ترجمه قرآن به فارسی.....
۳۵.....	فصل دوم: ترجمه پذیری قرآن.....
۴۳.....	فصل سوم: انواع ترجمه.....
۵۷.....	فصل چهارم: فرایند ترجمه قرآن.....

بخش دوم: فنون کاربردی ترجمه قرآن

۷۳.....	درآمد.....
۷۵.....	فصل اول: واژه‌ها.....
۱۱۵.....	فصل دوم: اصطلاحات.....
۱۲۷.....	فصل سوم: هماینها.....
۱۴۱.....	فصل چهارم: جمله‌ها.....
۱۵۳.....	فصل پنجم: ساختارها.....
۱۶۵.....	فصل ششم: ساختار حال.....
۱۷۷.....	فصل هفتم: ساختار مفعول مطلق.....
۱۹۳.....	فصل هشتم: ساختار تمییز.....
۲۰۳.....	فصل نهم: کاهش، افزایش و جبران.....
۲۲۱.....	فصل دهم: تأکیدها.....
۲۳۵.....	کتابنامه.....

فهرست تفصیلی

۱	پیشگفتار.....
۷	مباحث پیشینی.....
۷	۱. فن ترجمه.....
۸	۲. ترجمه.....
۱۱	۳. ترجمه قرآن.....
۱۲	۴. تفاوت تفسیر و ترجمه.....
۱۴	۵. واحد ترجمه.....
۱۶	○ چکیده.....

بخش اول: مباحث نظری ترجمه قرآن فصل اول: پیشینه ترجمه قرآن به فارسی

۲۲	۱. ترجمه‌های کهن.....
۲۳	۱-۱. ترجمه‌های لفظی.....
۲۵	۱-۲. ترجمه‌های ادبی.....
۲۶	۱-۳. ترجمه‌های تفسیری.....
۲۸	۲. ترجمه‌های معاصر.....
۲۹	۲-۱. ترجمه‌های لفظی.....
۲۹	۲-۲. ترجمه‌های معنایی.....
۳۰	۲-۳. ترجمه‌های پایبند.....
۳۳	○ چکیده.....

فصل دوم: ترجمه‌پذیری قرآن

۳۶	۱. دلایل ترجمه‌ناپذیری قرآن.....
۳۷	۱-۱. اعجاز بیانی قرآن.....
۳۷	۱-۲. ویژگی‌های زبانی قرآن.....
۳۸	۱-۳. عربی‌زدایی و هراس از تحریف.....
۴۰	۲. ضرورت ترجمه قرآن.....
۴۰	۲-۱. رسالت همگانی و جهانی قرآن.....
۴۰	۲-۲. حجت بالغه الهی.....
۴۲	○ چکیده.....

فصل سوم: انواع ترجمه

۴۴	۱. ترجمه شفاهی.....
۴۴	۲. ترجمه کتبی.....

۴۴ ۱-۲. ترجمه پایبند
۴۴ ۱-۱-۲. ترجمه پایبند لفظی
۴۶ ۲-۱-۲. ترجمه پایبند معنایی
۴۷ ۳-۱-۲. ترجمه پایبند لفظی و محتوایی
۴۸ ۲-۲. ترجمه آزاد
۴۹ ۱-۲-۲. ترجمه تفسیری
۵۰ ۲-۲-۲. ترجمه پیامی
۵۰ ۳-۲-۲. ترجمه منظوم
۵۲ ۴-۲-۲. ترجمه اقتباسی
۵۲ ۵-۲-۲. ترجمه تلمیحی
۵۵ چکیده

فصل چهارم: فرایند ترجمه قرآن

۵۸ ۱. مرحله فهم کلی
۵۸ ۱-۱. فهم مفاهیم و معانی ظاهری
۵۹ ۲-۱. فهم مراد آیات قرآن
۵۹ ۲. مرحله تحلیل
۵۹ ۱-۲. تحلیل صرفی و واژگانی
۶۰ ۲-۲. تحلیل دستوری
۶۳ ۳-۲. تحلیل ادبی
۶۴ ۴-۲. تحلیل معنایی
۶۴ ۳. مرحله انتقال
۶۴ ۱-۳. انتقال لفظی با تکواژها و واژه‌ها
۶۵ ۲-۳. انتقال محتوایی با جمله
۶۵ ۴. مرحله تولید و بازسازی
۶۷ ۵. ارزیابی نهایی
۶۷ ۶. ویرایش
۶۷ ۱-۶. ویرایش فنی
۶۷ ۲-۶. ویرایش زبانی ساختاری
۶۷ ۳-۶. ویرایش علمی یا محتوایی
۶۹ چکیده

بخش دوم: فنون کاربردی ترجمه قرآن

۷۳ درآمد
----	-------------

فصل اول: واژه‌ها

۷۶.....	۱. برابریابی واژه‌ها.....
۷۷.....	۱-۱. برابریگزینی.....
۸۰.....	۱-۲. برابریسازی.....
۸۲.....	۲. واژگان مشترک.....
۸۳.....	۱-۲. پرهیز از سره‌نویسی.....
۸۵.....	۲-۲. توجه به واژگان مشترک.....
۸۷.....	۳. بار عاطفی واژه‌ها.....
۸۸.....	۴. روابط مفهومی واژه‌ها.....
۸۹.....	۱-۴. رابطه چندمعنایی.....
۹۳.....	۲-۴. رابطه شمولی.....
۹۳.....	۳-۴. رابطه جزءاواژگی.....
۹۴.....	۴-۴. رابطه هم‌نشینی.....
۹۶.....	۵-۴. رابطه جانشینی.....
۹۹.....	۶-۴. تقابل معنایی.....
۱۰۱.....	۵. ترجمه حروف.....
۱۰۴.....	۱-۵. حروف جاره.....
۱۰۵.....	۱-۱-۵. حرف علی.....
۱۰۶.....	۲-۱-۵. حرف فی.....
۱۰۷.....	۲-۵. حروف زائد.....
۱۰۷.....	۳-۵. حروف لیت و لعل.....
۱۰۹.....	۴-۵. حرف لن.....
۱۱۲.....	○ چکیده.....
۱۱۳.....	○ برای پژوهش و مطالعه.....
۱۱۳.....	○ خودارزیابی.....

فصل دوم: اصطلاحات

۱۱۵.....	۱. فنون کلی ترجمه اصطلاحات.....
۱۱۷.....	۲. اصطلاحات ادبی.....
۱۱۷.....	۱-۲. کنایه‌ها.....
۱۲۱.....	۲-۲. استعاره‌ها.....
۱۲۵.....	○ چکیده.....
۱۲۵.....	○ خودارزیابی.....

فصل سوم: هماینها

۱۲۸.....	انواع هماینها
۱۲۸.....	۱. همایند همسان عبارتی
۱۲۹.....	۲. همایند اضافی
۱۳۱.....	۳. همایند اضافی متوالی
۱۳۳.....	۴. همایند وصفی اضافی
۱۳۵.....	۵. همایند تقابلی
۱۳۸.....	○ چکیده
۱۳۸.....	○ خودارزیابی

فصل چهارم: جمله‌ها

۱۴۴.....	۱. اصول کلی در ترجمهٔ جملات
۱۴۴.....	۱-۱. توجه به نوع جمله‌ها
۱۴۵.....	۱-۲. رعایت تعادل در جمله‌ها
۱۴۶.....	۱-۳. کوتاه کردن جمله‌ها
۱۴۶.....	۲. جمله‌های صله
۱۴۸.....	۳. جمله‌های معترضه
۱۵۰.....	○ چکیده
۱۵۱.....	○ خودارزیابی

فصل پنجم: ساختارها

۱۵۴.....	۱. انواع ساختارها
۱۵۵.....	ساختار نحوی
۱۵۶.....	ساختار صرفی
۱۵۷.....	ساختار لغوی-معنایی
۱۵۷.....	ساختار آوایی
۱۵۸.....	ساختار بلاغی
۱۵۸.....	۲. تفاوت‌های ساختاری
۱۵۹.....	ساختار دستوری
۱۶۰.....	افعال
۱۶۰.....	حروف
۱۶۰.....	ضمایر
۱۶۱.....	اشتقاق
۱۶۱.....	نظام آوایی

۱۶۲.....	گستره معانی و دقت تعبیر.....
۱۶۲.....	قالب.....
۱۶۴.....	○ چکیده.....
۱۶۴.....	○ خودارزیابی.....

فصل ششم: ساختار حال

۱۶۶.....	۱. بازسازی دستوری حال مفرد.....
۱۶۸.....	۲. بازساخت جمله حالیه.....
۱۶۹.....	۲-۱. بازساخت جمله حالیه با واو.....
۱۷۲.....	۲-۲. بازساخت جمله حالیه بدون واو.....
۱۷۳.....	۳. بازساخت حال جمله‌واره.....
۱۷۵.....	○ چکیده.....
۱۷۵.....	○ خودارزیابی.....

فصل هفتم: ساختار مفعول مطلق

۱۸۰.....	۱. بازساخت مفعول مطلق تأکیدی.....
۱۸۳.....	۲. بازسازی مفعول مطلق نوعی.....
۱۸۳.....	۲-۱. مفعول مطلق نوعی با صفت.....
۱۸۵.....	۲-۲. مفعول مطلق نوعی با مضاف‌الیه.....
۱۸۶.....	۳. بازساخت مفعول مطلق عددی.....
۱۸۷.....	۴. مفعول مطلق با عامل محذوف.....
۱۹۰.....	○ چکیده.....
۱۹۰.....	○ خودارزیابی.....

فصل هشتم: ساختار تمییز

۱۹۴.....	۱. بازساخت تمییز مفرد.....
۱۹۵.....	۲. بازساخت تمییز جمله.....
۲۰۰.....	○ چکیده.....
۲۰۰.....	○ خود ارزیابی.....

فصل نهم: کاهش، افزایش و جبران

۲۰۳.....	۱. کاستن بجا.....
۲۰۵.....	۱-۱. حروف متعدد تأکید.....
۲۰۶.....	۱-۲. حذف بین دوم در الگوی «بین و بین».....
۲۰۶.....	۱-۳. کلمات مکرر بدون بار معنایی خاص.....

۲۰۷.....	۲. افزودن بجا.....
۲۱۲.....	۲-۱. احتیابک یا حذف مقابلی.....
۲۱۴.....	۲-۱-۱. احتیابک ضدی.....
۲۱۵.....	۲-۱-۲. احتیابک متشابه.....
۲۱۵.....	۲-۱-۳. احتیابک متناظر.....
۲۱۶.....	۲-۱-۴. احتیابک منفی و مثبت.....
۲۱۶.....	۲-۱-۵. احتیابک مشترک.....
۲۱۶.....	۲-۲. تضمین.....
۲۱۸.....	○ چکیده.....
۲۱۸.....	○ برای پژوهش و مطالعه.....
۲۱۹.....	○ خودارزیابی.....

فصل دهم: تأکیدهها

۲۲۲.....	۱. تأکید در زبان فارسی.....
۲۲۳.....	۲. تأکید در زبان عربی.....
۲۲۳.....	۲-۱. تأکید معنوی.....
۲۲۵.....	۲-۲. تأکید لفظی.....
۲۲۵.....	۲-۲-۱. تکرار کلمه.....
۲۲۵.....	۲-۲-۲. تکرار فعل.....
۲۲۶.....	۲-۲-۳. تکرار جمله.....
۲۲۶.....	۲-۲-۴. تکرار ضمیر.....
۲۲۸.....	۲-۲-۵. تأکید حروف.....
۲۲۸.....	۲-۲-۵-۱. حروف قَسَم.....
۲۲۹.....	۲-۲-۵-۲. حروف تأکید.....
۲۳۱.....	۲-۲-۵-۳. تقدیم.....
۲۳۳.....	○ چکیده.....
۲۳۳.....	○ خودارزیابی.....
۲۳۵.....	کتابنامه.....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
« تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا » (فرقان، ۱)

بزرگان [خداوندی] که فرقان
برای بنده خود کرد نازل
که تا بآیه‌های عالمین را
بُود بردادن هشدار [عامل]



پیشگفتار

زبان، ابزار سخن گفتن است. خدای رحمان که قرآن را آموزاند، انسان را آفرید، به او سخن گفتن آموخت: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، ۱-۴). قرآن آخرین کتاب آسمانی است که به اقتضای زمان، مکان و حکمت بالغه الهی به زبان عربی نازل شده است و بشر را به فراسوی آسمان‌ها فرا می‌خواند؛ حقیقتی است سرمدی فراتر از مناسبات فناپذیر زمان و مکان؛ فراتر از یک زبان، یک قوم و...؛ لامکان است همان‌سان که لازمان است و اگرچه از حجاز سر برآورده و لباس عربی بر تن پوشیده است، ریشه در زبان و خاک فرهنگ بومی آن سامان ندارد. از این رو قرآن تنها کتاب آن زمان، آن زبان و آن سامان نیست، ریسمانی آسمانی است که هر انسانی در هر زمان و مکان، نیازمند رشته‌های محکم این ریسمان است که او را به اصلش پیوند دهد؛ رشته‌ای که اگر بریده شود، وجود آدمی چونان خاکستری در باد پراکنده خواهد شد.

نزول قرآن به زبان عربی، با توجه به مخاطبان نخستین آن و شخص پیامبر ﷺ، که عرب زبان بودند، رویدادی طبیعی است. هر سخنوری، مطالب خویش را با زبان مخاطبان نخستین خود بیان می‌کند. به دیگر سخن، قرآن برای فرود آمدن به این عالم، نیازمند زبانی ویژه بود و آن، عربی فصیح و مبین است. اما زبان و فرهنگ آن، همان زبان مردم است به شکلی که همگان آن را می‌فهمند و تنها در این صورت می‌تواند جهان شمول و جاودانه باشد. اگر قرآن، متعلق به نژاد و گروهی خاص بود، هیچ‌گاه نمی‌توانست جهانی باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶، ص ۹۸؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۳). خداوند حکیم در ارسال پیامبران و ابلاغ پیام‌های خویش،

همین رویه را آشکارا تأیید کرده و به کار بسته است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴). هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم تا پیام خدا را برای آنان روشن بیان کند و آنان به آسانی آن معارف را فراگیرند و به دیگر هم‌زبانان خود بیاموزانند و برای غیر عرب‌ها ترجمه کنند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۲۴).

امروزه با گسترش چشمگیر ارتباطات جهانی و رسانه‌های اجتماعی و رابطه تنگاتنگ فرهنگ‌ها و اثرگذاری آنها بر ذهن‌ها و اندیشه‌ها، ضرورت ترجمه قرآن به زبان‌های زنده دنیا را بیش از پیش نمایان ساخته است. بنابراین ترجمه قرآن مهم‌ترین ابزار ابلاغ پیام قرآن به غیرعرب‌زبان‌هاست؛ زیرا همه مردم انگیزه، توان و فرصت فراگیری زبان عربی را ندارند. از این رو ارائه ترجمه‌های صحیح و دقیق قرآن، که از روانی نثر و گویایی مفهوم نیز برخوردار باشد، از ضرورت‌های فرهنگی دینی و اولویت‌های قرآن‌پژوهی است. بر این اساس هم‌زمان با نهضت ترجمه در صدر اسلام، بیش از هزار ترجمه به زبان فارسی و ده‌ها ترجمه به زبان‌های زنده دنیا از قرآن کریم ارائه شده است (آذرنوش، ۱۳۸۹) تا همه علاقه‌مندان بتوانند از پرتو این نور الهی بهره‌مند شوند. نگارش ترجمه‌های قرآن در طول تاریخ، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، سیر تکاملی داشته و ناقدان فرزانه و نکته‌سنج، با ارائه نقدهای دقیق و راهگشا، نقشی بسزا در ارائه ترجمه‌هایی شیوا، دقیق و کم‌خطا داشته‌اند. با این‌همه، ترجمه قرآن همچنان با کاستی‌ها و لغزش‌هایی همراه است که بخشی مهم از آن، به ناآشنایی مترجمان با اصول و فنون ترجمه قرآن بازمی‌گردد.

قرآن نه تنها زبان عربی را زنده و پویا کرد، زبان و ادب فارسی را نیز دگرگون و پربار ساخت. نفوذ قرآن در زبان فارسی چنان ژرف است که با حذف واژگان عربی از آن، نمی‌توان به آسانی سخن گفت. در دوره‌هایی برخی کوشیدند عربی را از زبان فارسی بیالایند و به پارسی ناب سخن بگویند، ولی چندان توفیقی نیافتند.

اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبی است زبان خموش و لیکن دهان پر از عربی است

زبان فارسی با همه زیبایی، ظرافت و قابلیت شگفت‌انگیزش در بیان، مدیون قرآن است نه زبان عربی؛ زبان عربی خود وام‌دار قرآن است. به دیگر سخن، خود را در قرآن پیدا کرده است. بنابراین، استقلال و استغنای زبان فارسی، بیش از هر چیز مدیون زبان قرآن است.

پیوند دیرینه و عمیق زبان فارسی با زبان عربی، در عین حال که به بنیة واژگانی زبان فارسی غنای دوچندان بخشیده، در برگردان متون عربی، به‌ویژه قرآن به فارسی، مشکلات و

چالش‌هایی را پدید آورده است. برای نمونه پاره‌ای اصطلاحات و واژه‌های بلند قرآنی، نه تنها در زبان رسمی و ادبی، بلکه در محاوره عرفی فارسی نیز نفوذ کرده است. این امر از یک سو، ترجمه قرآن را آسان، و از سوی دیگر، آن را دشوار کرده است؛ زیرا برخی از مفاهیم و اصطلاحات قرآنی در زبان فارسی معادل مناسب ندارند.

ترجمه قرآن، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن، جنبه‌های گوناگون دارد که مهم‌ترین آنها، تخصص قرآنی، دانش و فن ترجمه است. کسی در ترجمه قرآن موفق است که از همه جنبه‌های یادشده بهره کافی برده باشد. مترجم قرآن افزون بر دانش قرآن، با بهره‌گیری از مهارت و فنون به‌روز ترجمه می‌تواند به سرمنزل مقصود دست یابد که همان یافتن معادل زبانی مناسب و نزدیک در زبان مقصد است. بسیاری کوشیده‌اند ترجمه‌ای شایسته از قرآن ارائه کنند؛ اما به دلیل نداشتن دانش، هنر و مهارت کافی، به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند.

بنابراین دستیابی به یک ترجمه خوب و خلاقانه در گرو آشنایی با اصول و فونونی است که زیربنای اساسی ترجمه است. اینکه گفته‌اند: «ترجمه پیش از آنکه «علم» باشد، «هنر» است...» (محدثی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰). سخن حقی است؛ زیرا مترجم متن را به زبان دیگر بازتولید می‌کند. به دیگر سخن، مترجم برای هر متنی زبان مناسب می‌یابد تا بتواند ظرافت‌های آن را به خواننده برساند. از این رو توانایی فهم لغات و جملات متن، به‌ویژه متون دینی، به‌تنهایی کافی نیست. برای اساس ترجمه یک کار هنرمندانه و خلاقانه است و مترجم هرچه بیشتر اهل ادب و هنر باشد، می‌تواند ترجمه نیک و خوشخوان تری بیافریند. بنابراین ترجمه قرآن نوعی آفرینندگی است که افزون بر شرایط ویژه خود، نیازمند مهارت، ذوق، هنر و خلاقیت است. هرچند مترجم قرآن با محدودیت خلاقیت مواجه است، ولی اگر با بیان و زبان قرآن آشنا، و بر ادبیات زبان مقصد مسلط باشد، می‌تواند تا حدودی بر این مشکل چیره شود.

درباره اصول و فنون ترجمه آثاری فراوان تدوین شده است که در این مجال تنها به ذکر پاره‌ای از آنها که عنوان «فن ترجمه» دارد، بسنده می‌شود: فن الترجمة فی الأدب العربی، محمد عبدالغنی حسن (۱۹۶۰)؛ فن ترجمه در ادبیات عرب، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه عباس عرب (۱۳۷۶)؛ فن الترجمة، محمد عنانی (۱۹۹۲)؛ فن ترجمه، اصول نظری و عملی ترجمه عربی به فارسی و فارسی به عربی، یحیی معروف (۱۳۸۰)؛ فن ترجمه از عربی به فارسی، رضا ناظمیان (۱۳۸۶)؛ فن ترجمه، احمدفاضل سعدی (۱۳۹۴)؛ فن ترجمه (عربی-فارسی)، محمدصدیق سپهری‌نیا و محبوبه حسینی (۱۳۹۴)؛ فن ترجمه و تعریب کاربردی، علی اسودی (۱۳۹۶).

درباره روش ترجمه قرآن نیز آثار خوبی تألیف شده است؛ مانند: مشکلات ساختاری ترجمه قرآن، حیدرقلی زاده (۱۳۸۳)؛ منطق ترجمه قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۸۴)؛ درسنامه ترجمه قرآن و روش شناسی ترجمه قرآن، محمدحسن جواهری (۱۳۸۹)؛ ترجمه شناسی قرآن کریم، احمد پاکتچی (۱۳۹۲)؛ درسنامه ترجمه قرآن کریم، هادی حجت (۱۳۹۳) و... با وجود این، هنوز جای پژوهش‌هایی در فنون ترجمه قرآن که در فرایند عملی ترجمه به کار آید، خالی است.

برابری واژه‌ها، اصطلاحات و ساختارهای ویژه قرآن از جمله مشکلات رایج ترجمه قرآن است که در این اثر تلاش شده راهکار مشخصی برای آنها تعریف و تعیین شود. نوشتار پیش‌رو، که با هدف آموزش اصول و فنون کاربردی ترجمه قرآن نگاشته شده، ثمره تجربه تدریس نگارنده در مراکز دانشگاهی و حوزوی است که در سال ۱۳۸۷ در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران در قالب درس‌گفتار ارائه شد. با توجه به وجود کاستی‌های جدی در این درس‌گفتارها، نگارنده ضروری دانست مطالب آن را تکمیل، بازنگاری، روزآمد و کاربردی کند. برای تأمین هدف کاربردی در بخش دوم این کتاب، متناسب هر فصل، نمونه‌هایی از آیات قرآن به صورت کارورزی جهت ترجمه و خودارزیابی ارائه شده است.

در این نوشتار هرچند در مباحث نظری به مطالب رایج در قلمرو فن ترجمه بسنده شده؛ اما تلاش شده است از روح تحقیق، تحلیل، نقد و احیاناً نوآوری نیز برخوردار باشد. در هر مبحث به تناسب، ترجمه آیاتی از برخی ترجمه‌های معاصر قرآن صرفاً برای اهداف آموزشی بررسی شده است. بدیهی است این بررسی‌ها، ارزیابی کلی ایجابی یا سلبی آن ترجمه‌ها نیست. از رهگذر این نمونه ترجمه‌ها، می‌توان با روش‌های گوناگون ترجمه‌های قرآن کریم نیز آشنا شد. بی‌تردید اثر یک نگارنده ندارد، آن هم درباره موضوع پردامنه و پرچالشی چون فن ترجمه قرآن، عاری از لغزش و کاستی نخواهد بود. از این‌رو، این پژوهش، برای رسیدن به کمال مطلوب و رفع کاستی‌ها، همچنان نیازمند نقد و راهنمایی صاحب‌نظران فرهیخته و دانشمند است.

در پایان با ستایش خدای سبحان، که توفیق خدمت در آستان قدسی کتاب کریم خویش را در سایه نظام شکوهمند انقلاب اسلامی ایران بر این ناچیز منت نهاد، وظیفه خود می‌دانم از همه دانشورانی که از دانش، قلم و تجربه آنها در سامان دادن به این نوشتار بهره‌مند شده‌ام، به‌ویژه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمدرضا صفوی به دلیل رهنمودهای

ارزنده و سودمندشان، جناب آقای دکتر مسعود فکری، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود طیب حسینی و به رسم ادب و انصاف از جناب آقای دکتر حیدر قلی‌زاده نویسنده مشکلات ساختاری ترجمه قرآن، که نگارنده در نگارش بخش دوم این کتاب از روش آن الهام و بهره گرفته است، همچنین ویراستار ارجمند جناب آقای سیدعلی شاهچراغ، مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه جناب آقای دکتر سید عدنان اسلامی، مدیر محترم آماده‌سازی و چاپ، کارشناس محترم گروه جناب آقای حسن نصراللهی، آقای محمدجواد فتحی به جهت نمونه‌خوانی دقیق آن و همه عزیزانی که به نوعی در به انجام رسیدن این اثر سهمی داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

این اثر ناچیز را به پاس قدردانی و بنا به عهد از سوی استادان ارجمند، پدر بزرگوار، مادر سفرکرده، همسر عزیز، شهیدان راه خدا، به‌ویژه شهیدان محمدرضا، غلامرضا و ازدر فتحی به ساحت قدسی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش تقدیم می‌کنم و از خدای بزرگ، توفیق روزافزون همه رهروان اسلام ناب و دستگیری نیکان درگاهش را آرزومندم.

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»

علی فتحی زنجانی

قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

afathi@rihu.ac.ir

مباحث پیشینی

۱. فن ترجمه

فَن، در فارسی به معنای راه، روش، شگرد و مهارت انجام کاری است. واژه «فن» کوتاه‌شده «فند» به معنای شگرد است و ترفند از آن ساخته شده و به معنای «فن شگفت‌انگیز» (تردستی) است و فند دگرگون‌شده پند^۱، و معنای اصلی پند در فارسی، به‌ویژه در پارسی میانه، راه و روش است و در زبان عربی از آن به فن یاد می‌شود. در زبان عربی فن را بیشتر در همان معنای قدیم فارسی‌اش، یعنی هنر، به کار می‌برند. مشتق دیگر عربی‌واری نیز از این واژه، یعنی تفنن (آوازه‌ها و روش‌های گوناگون) در فارسی در معنای تفریح به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، فن). بنابراین فن به معنای راه، روش و مهارت است.

آشنایی با اصول و فنون ترجمه تأثیری بسزا در پیشرفت کار از جنبه علمی و عملی دارد و ترجمه قرآن افزون بر دانش، به فن و هنر وابسته است؛ زیرا ترجمه، مهارت برگردان مطلبی از زبانی به زبان دیگر است و ذوق و قریحه مترجم در انتقال ظرافت‌ها و نکته‌ها سهم بسزایی دارد. پیتربیومارک (۲۰۰۶، ص ۶)، در این زمینه می‌نویسد:

ترجمه، انگیزه خاص و اهمیت ویژه خود را داراست و ارائه ترجمه مطلوب، امکان‌پذیر است. هرچند مترجم خوب هیچ‌گاه از ترجمه خود راضی نمی‌شود؛ زیرا معمولاً امکان ترجمه بهتر وجود دارد و ترجمه کامل و نمونه وجود ندارد و مترجم همواره تلاش می‌کند که افق‌های معرفت خود را گسترش دهد و ابزار تعبیر خود را بهتر کند. براین اساس مترجم خوب در چهار سطح گام بر می‌دارد:

۱. از نظر برخی، «پند» از ریشه پارسی باستان «پَث» به معنای راه، گرفته شده که با واژه انگلیسی «Path» به معنای راه، هم‌ریشه است.

اول، ترجمه علمی است که مستلزم شناخت حقایق و زبان و محقق شدن آنهاست؛ دوم، ترجمه مهارتی است که زبان مناسب و کاربرد مقبولی را می‌طلبد؛ سوم، ترجمه هنری است که نویسندگی خوب را از نوشتن بی‌هویت متمایز می‌کند و این سطح ترجمه ابداعی و احیاناً الهامی است و چهارم، مسئله ذوق و سلیقه است.

فن ترجمه مهارت متکی به تجربه است. از این مهارت عملی با نام‌هایی چون: روش، متد، اسلوب، آیین، فوت‌وفن و... یاد می‌شود. فن، نوعی راه میان‌بر برای رسیدن به مقصود است. کسانی که در ترجمه روشمند باشند، زودتر به نتیجه می‌رسند و کمتر ضایعات وقتی و سرمایه‌ای دارند (محدثی، ۱۳۷۳، ص ۸)؛ بنابراین فن ترجمه قرآن، مجموعه‌ای از ابزارها و فنون است که با فراگیری و به‌کارگیری درست آنها می‌توان مقصود آیات قرآن را به‌درستی و کامل به مخاطب رساند.

۲. ترجمه

درباره ریشه و معنای واژه «ترجمه»، اختلاف است؛ اینکه آیا این واژه عربی است یا غیرعربی، اگر عربی است از ریشه ثلاثی است یا رباعی و اگر غیرعربی است، آیا فارسی است یا آرامی یا کلدانی. این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد:

یک) ریشه عربی: از نظر برخی، ترجمه از اصل عربی، و ریشه ثلاثی (رَجَمَ) به معنای سخن گفتن از روی گمان است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۲۸). واژه رجم در زبان عربی به معنایی چون قذف، قتل، عیب گرفتن، گمان کردن، دوست، همدم، لعن، شتم، طرد، سنگ پراندن و نشان‌دار ساختن جایی با سنگ، آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ نفیسی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶). اما درباره معنای رایج «رَجَمَ»، که همان سنگ پراندن است، شاید تناسب آن با ترجمه از این جهت است که ترجمه نیز مانند پرتاب سنگ ممکن است رساننده پیام از شخصی به شخص دیگر باشد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۵۰) و در معنای استعاری آن، که سخن گفتن از روی حدس است، تناسب آن با ترجمه از این جهت است که مترجم ابتدا مقصود نویسنده متن مبدأ را حدس می‌زند و سپس آن را به زبان مقصد برمی‌گرداند.

از نظر برخی دیگر، «ترجمه» رباعی از فعل «تَرَجَمَ»، و به معنایی چون روشن بیان کردن سخن، از زبانی به زبانی دیگر انتقال دادن کلام و شرح حال و سیره به‌کار رفته است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۴؛ انیس و دیگران؛ ۱۳۶۷، ص ۸).

دو) اصل غیرعربی: برخی دیگر از واژه‌پژوهان «ترجمه» را واژه‌ای غیرعربی دانسته‌اند، ولی اینکه از کدام زبان وارد زبان عربی شده همداستان نیستند. سه دیدگاه مهم در این باره بدین شرح است:

الف) از ریشه فارسی «تَرَبَّان» که معرب آن ابتدا واژه «ترزبان» بوده است. تَرَبَّان در لغت فارسی به معنای زبان‌آور، خوش‌سخن و کسی که سخن‌های خوب و تازه بگوید (دهخدا، ۱۳۷۷، ترجمه).

ب) از ریشه کلدانی «رجم» به معنای انداختن و افکندن (بستانی، ۱۹۹۳، ۶۹).
ج) از زبان آرامی «ترگم»^۱ «ترگوم»^۲ یا «ترگومین»^۳ و یا سریانی «ترگمانا»^۴ «تارگم»^۵ به معنای زبان دیگری درآوردن است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۹۸؛ مصاحب، ۱۳۸۰، ص ۶۳۳؛ یسوعی، ۱۹۸۶، ص ۱۷۵).

به نظر می‌رسد با توجه به نیامدن کلمه ترجمه در کتاب‌های کهن لغت مانند العین، این واژه از واژگان مؤلّد است؛ واژگانی که بعد از عصر روایت وارد زبان و ادبیات عربی شده است.^۶ به طور کلی «ترجمه» در زبان عربی در معانی زیر به کار می‌رود: تبلیغ کلام؛ برگرداندن و بیان کردن گفتار یا نوشتاری از یک زبان به زبانی دیگر؛ تفسیر و شرح کلام به زبان اصلی (ترجمان) (دهخدا، ۱۳۷۷، ترجمه؛ طبری، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۶، ۲۴، ۳۲، ۵۷؛ تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۴۱۴ سیره شرح حال شخص یا اشخاص (تراجم) (تهران، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۹۵) مقدمه کتاب و دیباچه یا گزارشی از کتاب (ابراهیم انیس و دیگران؛ ۱۳۶۷، ص ۸۳) و رمز و معنّا (دهخدا، همان).

زبان‌شناسان برای معنای اصطلاحی ترجمه، تعاریفی گوناگون مطرح کرده‌اند که عنصر مشترک همه آنها عبارت است از: انتقال و ارائه پیام از زبان مبدأ در قالب زبان مقصد با عناصر آن. منظور از زبان مبدأ، زبانی است که ترجمه از آن به زبان دیگر صورت می‌گیرد. در این نوشتار،

1. Tergem.
2. Targom.
3. Targumin.
4. Targmana.
5. Targem.

۶. «استعمله العرب بعد عصر الرواية» (انیس و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۸۳).

منظور از زبان مبدأ، زبان عربی قرآن، و مقصود از زبان مقصد، زبانی است که ترجمه به آن زبان انجام می‌شود که در اینجا منظور زبان فارسی است.

در این مجال به ذکر دو تعریف نسبتاً جامع از ترجمه بسنده می‌شود:

الف) ترجمه عبارت است از بازسازی یا پیدا کردن نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد^۱، نخست از لحاظ معنایی و سپس از حیث سبک (Nida, 1969, p12).

ب) ترجمه عبارت است از برگرداندن مفاهیم، چه نوشته و چه گفته، از یک زبان، که زبان مبدأ نامیده می‌شود، به زبان دیگر، که زبان مقصد نامیده می‌شود، به گونه‌ای که متن ترجمه‌شده، همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد در زبان مقصد نیز داشته باشد (باطنی، ۱۳۷۱، ص ۶۳).

تعریف یوجین نایدا با وجود قدمت آن هنوز هم جامع‌تر، ساده‌تر و گویاتر از بیشتر تعریف‌هاست. وی در توضیح عناصر این تعریف می‌نویسد:

الف) زبان مبدأ و زبان مقصد: این دو زبانی است که ترجمه از اولی به دومی صورت می‌گیرد. اگر متنی از عربی به فارسی ترجمه می‌شود، عربی زبان مبدأ، و فارسی زبان مقصد است.

ب) پیام: مطلب مهمی که به صورت نوشتار یا گفتار، با هدفی خاص از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابد.

ج) بازسازی: انتقال پیام نویسنده یا گوینده به مخاطبان زبان مقصد به وسیله مترجم.

د) نزدیک‌ترین معادل طبیعی: نایدا با عنایت به این حقیقت که بازسازی کامل متن در زبان مقصد ناممکن و یا بسیار دشوار است، هوشمندانه در تعریف ترجمه از تعبیر «نزدیک‌ترین معادل طبیعی» استفاده کرده است. واژه «معادل» مربوط به زبان مبدأ، و اصطلاح «طبیعی» ناظر بر زبان مقصد، و کلمه «نزدیک‌ترین» برای ایجاد تناسب و توازن بین این دو فرایند است. بنابراین وی بر آن است که برای عناصر زبان مبدأ، معادل مناسب انتخاب شود و چپش این معادل‌ها در زبان مقصد به گونه طبیعی باشد که رنگ و بوی ترجمه را نداشته باشد. از این رو هر چه متن ترجمه‌شده از نظر معادل‌ها و ساختار جمله‌ها به متن اصلی نزدیک‌تر باشد، ترجمه بهتری است.

ه) سبک: نحوه نگارش نویسنده متن اصلی نیز تا حد امکان باید در ترجمه رعایت شود

(Nida, 2003, p.12-15).

1. language source.

2. target language.

۳. ترجمه قرآن

بر پایه مطالب پیش گفته، ترجمه قرآن عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی معنای کلمات و پیام آیات قرآن در زبان مقصد، از نظر معنا، ساختار، سبک و تأثیر.

۱. معنا: هدف اصلی و اولی از ترجمه قرآن، رساندن درست و کامل معنا و پیام آیات قرآن است. از این رو مترجم باید بکوشد بیش از هر چیز به این هدف پایبند باشد.
۲. ساختار: مترجم باید نخست ساختار زبانی آیات قرآن را بشناسد و سپس معادل مناسب آن را در زبان مقصد بیابد.

۳. سبک: در اصطلاح ادبی به شیوه خاص یک اثر ادبی و به مجموعه ویژگی‌هایی که نویسنده یا شاعر در نحوه بیان اندیشه استفاده می‌کند، سبک می‌گویند. سبک و شیوه بیان قرآن، سبکی ویژه است؛ سبکی آمیخته و آهنگین و مسجع^۱. بیشتر سوره‌های کوتاه و مکی و برخی آیات سوره‌های مدنی، سبک آهنگین و مسجع دارند. بنابراین در ترجمه آیات قرآن، نمی‌توان این سبک ویژه را نادیده گرفت.

۴. تأثیر: قرآن با توجه به ویژگی‌های خاص خود، اثرگذاری ویژه‌ای در خواننده دارد. مترجم باید بکوشد با شناسایی عناصر تأثیرگذاری زبان قرآن، تا حد امکان، ترجمه‌ای درخور و اثرگذار ارائه کند. برخی مترجمان قرآن مانند فولادوند، کوشیده‌اند به آن سبک و تأثیرگذاری تا حدودی نزدیک بشوند؛ هرچند هیچ ترجمه‌ای، تأثیرگذاری مستقیم آیات قرآن را نخواهد داشت. به طور کلی در ترجمه، باید میان زبان مبدأ و مقصد تعادل ایجاد شود. منظور از تعادل ترجمه، همسانی نسبی تأثیر متن مبدأ و مقصد برخوردار است. بنابراین، تعادل در ترجمه به معنای یکسانی کامل نیست؛ زیرا تناظر یک‌به‌یک میان متن مبدأ و مقصد امکان ندارد و یک متن در زبان مبدأ می‌تواند ترجمه‌های مختلفی داشته باشد که همگی به لحاظ‌های گوناگون معادل متن مبدأ باشند (هاوس، ۱۳۸۸، ص ۳۶). بنابراین متن ترجمه‌شده فقط در سطوح و وجوه خاصی می‌تواند معادل متن اصلی باشد.

۱. سجع در نثر همانند قافیه در شعر است و آهنگ ویژه‌ای به نثر می‌دهد که آن را به نظم نزدیک می‌کند، اما وزن عروضی آن را ندارد. در ادبیات به تناسب آوایی در پایان فقره‌های نثر، «سجع» گفته می‌شود. به دیگر سخن، سجع آن است که آخر جمله‌هایی که در نثر قرینه هم قرار می‌گیرند، در وزن، یا حرف آخر (زوی) یا هر دوی آنها یکسان باشد.

هرچند ترجمه برابر قرآن با این ویژگی‌ها و عناصر معنایی و زبانی، که در عین وفاداری به معنا، زیبا، روان و اثرگذار باشد، ناشدنی است؛ زیرا ممکن نیست ظرافت‌ها و زیبایی‌های زبان قرآن به زبانی برگردان شود و لطف و زیبایی خود را از دست ندهد؛ اما اگر مترجم، مقصود خدای متعال از آیات را درست درک کند و با زبان مقصد و اصول و فنون ترجمه نیز آشنایی عمیق داشته باشد و افزون بر این، از قریحه سالم نیز برخوردار باشد، می‌تواند ترجمه‌ای نسبتاً خوشخوان، زیبا و وفادار از قرآن ارائه کند که به دل خواننده بنشیند. در هر حال در تعارض زیبایی و وفاداری ترجمه قرآن، نباید وفاداری، قربانی زیبایی شود.

۴. تفاوت تفسیر و ترجمه

تفسیر قرآن، بیان مراد واقعی خدای متعال از آیات قرآن است. مراد واقعی، آن چیزی است که گوینده آن را از کلام خود قصد کرده است؛ خواه با مفاد استعمالی کلام مطابق باشد و خواه بر خلاف آن باشد. مهم‌ترین هدف از ترجمه قرآن، آشنا کردن ناآشنایان با زبان، معنا و مراد واقعی آیات قرآن در حد مقدور است؛ از این رو تفسیر، مقدمه ترجمه است؛ زیرا بدون فهم مراد آیات قرآن، ترجمه آنها ممکن نیست.

از نظر برخی، تفاوت اصلی ترجمه با تفسیر در این است که ترجمه، بیان مراد استعمالی کلام با توجه به قرائن درون‌آیه‌ای است، ولی تفسیر، بیان مراد جدی آیات با توجه به همه قرینه‌های پیوسته و ناپیوسته کلام است. بنابراین، هیچ ترجمه‌ای بدون تفسیر نمی‌شود و به عبارت دیگر، ترجمه، اجمالی از تفسیر است. باید توجه داشت که مراد از تفسیر در اینجا دقت در متن آیه و قرائن پیوسته و درونی است، نه قرائن ناپیوسته و بیرون آیه. مانند تمسک به آیه‌ای دیگر با توجه به شأن نزول یا روایت و نظائر اینها (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱ و ۱۶۴).

واقعیت آن است که این تفاوت نمی‌تواند تمایز ترجمه با تفسیر را نمایان کند؛ زیرا مفاد استعمالی گاهی به تنهایی، معنا و مقصود گوینده را نمی‌رساند و با قرینه‌های درونی نیز در بیشتر موارد مطابق مراد جدی و واقعی است. اگر مترجم معنا و مراد آیات قرآن را درست درک نکند، نمی‌تواند پیام آن را به درستی انتقال دهد. بنابراین فهم مقصود آیات، مقدمه لازم ترجمه قرآن است و ترجمه تنها بیان مفاد استعمالی آیات با توجه به قرائن درون‌آیه‌ای نیست و مترجم ناگزیر است در ترجمه آیات قرآن، همه قرینه‌ها را در نظر بگیرد تا مراد جدی آیات را دریابد و بتواند ترجمه درست ارائه کند.

آیت‌الله خویی (بی تا، ص ۵۰۵)، درباره ترجمه قرآن و شرایط آن می‌نویسد:

خداوند پیامبرش را برای هدایت مردم فرستاد و او را به وسیله قرآن پیروز گرداند؛ قرآنی که در بردارنده مطالبی است که آنان را به سعادت می‌رساند و به مراتب کمال ارتقا می‌دهد و این لطفی است از جانب خدا که اختصاص به قومی ندارد، بلکه تمامی بشر را شامل می‌شود. افزون بر اینکه تعالیم آن عام و هدایتش جهانی است. از این رو واجب است که هر کس قرآن را بفهمد تا به وسیله آن هدایت یابد و شکی نیست که ترجمه آن به این مهم کمک می‌کند. ولی باید در ترجمه تسلط و احاطه کامل به زبانی باشد که قرآن به آن زبان برگردان می‌شود؛ چون ترجمه هر اندازه که خوب باشد نمی‌تواند وفادار نسبت به مزایای بلاغتی آن باشد که وسیله برتری قرآن است، بلکه این شرط در هر کلامی معتبر است؛ زیرا ممکن است که ترجمه بر عکس آنچه از متن اصلی اراده شده، باشد؛ بنابراین در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن شرط است و فهم آن منحصر در امور سه‌گانه زیر است: ۱. مفهوم لفظی که عرب فصیح از ظاهر آن می‌فهمد؛ ۲. حکم عقل و فطرت سالم؛ ۳. تفسیری که از معصوم رسیده است. آری، ترجمه و تفسیر قرآن احاطه مترجم و مفسر را به تمامی این امور می‌طلبد تا بتواند معانی قرآن را به زبان دیگر منتقل و تفسیر کند. اما نظریات شخصی که بعضی از مفسران در تفاسیرشان می‌آورند، از این موازین خارج است و آن از تفسیر به رأی است و از اعتبار ساقط. و سزاوار نیست که مترجم و مفسر به آن اعتماد کند و هرگاه تمامی این امور در ترجمه و تفسیر رعایت شود، ترجیح دارد که حقایق قرآن به زبان هر قومی منتقل شود؛ زیرا که قرآن برای همه مردم نازل شده و سزاوار نیست که لغت قرآن از آنان محجوب باشد، مادامی که مفاهیم و حقایق آن برای همگی آنهاست.

کسی می‌تواند قرآن را خوب ترجمه کند که افزون بر شرایط دیگر ترجمه، یک دوره کامل تفسیر قرآن را دیده باشد و چه بهتر که خود او مفسر قرآن باشد، وگرنه گرفتار مشکلاتی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۳۹۲).

هر چند ترجمه قرآن بر تفسیر استوار است، ولی ترجمه، حتی ترجمه تفسیری را نمی‌توان تفسیر دانست؛ چنان‌که زرقانی ضمن اشاره به تفاوت‌های ترجمه و تفسیر می‌گوید: ترجمه مطلقاً، حتی ترجمه تفسیری، تفسیر نیست (زرقانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰). به دیگر سخن ترجمه، ترجمه است و نباید از آن انتظار تفسیر داشت. بر این اساس، میان ترجمه و تفسیر، دست‌کم چهار تفاوت اساسی وجود دارد:

یک) زبان: تفسیر یک متن می‌تواند به زبان مبدأ، یعنی زبان متن اصلی باشد. ولی ترجمه باید به زبان دیگری باشد و در آن ساختار زبان مقصد مراعات شود.

دو) گستره: گستره بیانی تفسیر فراخ‌تر از گستره ترجمه است. تفسیر شرح تفصیلی و همه‌جانبه از متن است. ولی ترجمه، انتقال پیام قرآن در حد امکان است و هرچند ترجمه حاصل تفسیر است، ولی پرداختن به جزئیات در ترجمه ممکن نیست. بنابراین ترجمه و تفسیر، دو گستره متفاوت از هم دارند.

سه) تعادل: در ترجمه پایبندی به واژگان و ساختار متن مبدأ و معادل‌یابی ضروری است. از این رو ترجمه تنگناها و دشواری‌های خاص خود را دارد. ولی در تفسیر هدف انتقال مراد آیات با زبان و بیان متنوع مفسر است و پایبندی آن‌چنانی اهمیت ندارد.

چهار) فن: ترجمه، فن و هنر، و به ذوق مترجم وابسته است. از این رو، صرف گذاشتن معادلی به زبان فارسی به جای کلمات قرآن، ترجمه نیست و برای همین گاه ترجمه برخی مفسران، که از نظر صحت و دقت بی‌عیب است، خوشخوان، دلنشین و زیبا نیست. بنابراین پیش‌نیازی تفسیر برای ترجمه، بدین معنا نیست که ترجمه هر مفسری از ترجمه غیر مفسر بهتر است، بلکه مقصود آن است که فهم و تفسیر برای ترجمه قرآن ضروری است.

۵. واحد ترجمه

یکی از مباحث مهم و پرکاربرد فن ترجمه، واحد ترجمه است که بر بسیاری از مباحث زبان‌شناسی ترجمه، از جمله تعادل و نوع ترجمه، تأثیر مستقیم دارد. واحد ترجمه یکی از عناصر زبان است که مترجم بر مبنای آن ترجمه متن را انجام می‌دهد. چنین واحدی با توجه به نوع متن و هدف مترجم ممکن است واژه، گروه، بند، جمله یا حتی کل متن باشد.

واحد ترجمه به تناسب نوع ترجمه تغییر می‌کند. به‌طور معمول، در ترجمه‌های لفظی، واژه به‌عنوان واحد ترجمه، و در ترجمه‌های معنایی، جمله به‌عنوان واحد ترجمه در نظر گرفته می‌شود. هرچه ترجمه آزادتر باشد، واحدهای بزرگ‌تر جایگزین می‌شود.

نیومارک واحد ترجمه را با نقش‌های سه‌گانه زبان مرتبط می‌داند و بر این باور است که برای ترجمه متون با سه نقش گوناگون بیانی، اطلاع‌رسانی و خطابی، به ترتیب باید از سه واحد کوچک، متوسط و بزرگ استفاده کرد. وی حداقل و حداکثر این واحدها را این‌گونه تعیین کرده است:

واحد ترجمه متون بیانی از یک واژه تا واژه هم‌نشین، متون اطلاع‌رسانی از دو واژه هم‌نشین تا جمله و متون خطابی از پاراگراف تا کل متن است (نیومارک، ۲۰۰۶، ص ۸۰).

انتخاب واحد ترجمه و معیار آن مستلزم توجه به سه عامل اساسی است:

الف) نوع و ارزش بلاغی متن: ارزش بلاغی و ادبی قرآن ایجاب می‌کند مترجم کوچک‌ترین واحد ترجمه، یعنی تکواژ را نخستین واحد ترجمه، و پس از آن، واحدهای واژه، گروه، جمله‌واره و جمله را معیار ترجمه قرار دهد.

ب) مخاطب ترجمه: سطوح و طبقات گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی در نوع ترجمه و انتخاب نوع واحد ترجمه مؤثر است.

ج) محدودیت‌های زبانی: گاهی در فرایند ترجمه، ساختار زبانی زبان مقصد، فاقد معادل‌های زبانی زبان مبدأ است و توانایی و ظرفیت کافی را برای انتقال ساختارهای نحوی و گاه صرفی زبان مبدأ ندارد (سعیدان، ۱۳۸۷، ص ۱۹؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹).

○ چکیده

۱. درباره ریشه و معنای واژه «ترجمه»، اختلاف نظر است. به نظر می‌رسد با توجه به گزارش بیشتر واژه‌پژوهان، واژه ترجمه رباعی و از واژگان مُوَلَّدَ عربی است؛ واژگانی که پس از عصر روایت وارد زبان و ادبیات عربی شده است.
۲. عنصر مشترک تعریف‌های ترجمه: ترجمه انتقال و ارائه پیام از زبان مبدأ در قالب زبان مقصد با همه عناصر آن است.
۳. ترجمه قرآن: بازگردانی و انتقال معنا و پیام آیات قرآن با برقراری تعادل و توازن در محتوا، سبک و ساختار تا حد ممکن است.
۴. ترجمه قرآن افزون بر دانش، به فن و هنر مترجم نیز وابسته است؛ به فن، به سبب آنکه ترجمه یک مهارت برگردان مطلبی از زبانی به زبان دیگر است و به هنر، به دلیل آنکه ذوق، سلیقه و قریحه مترجم در انتقال ظرافت‌کاری‌ها و نکته‌پردازی‌های قرآن تأثیرگذار است.
۵. هرچند ترجمه بر تفسیر استوار است، ولی ترجمه، ترجمه است و نمی‌توان آن را تفسیر دانست. براین اساس، میان ترجمه و تفسیر، دست‌کم چهار تفاوت اساسی وجود دارد: یک (زبان؛ دو) گستره؛ سه) کیفیت و تعادل و چهار) ذوق و هنر.
۶. واحد ترجمه: یکی از عناصر زبان است که مترجم با انتخاب و بر مبنای آن ترجمه متن را انجام می‌دهد. چنین واحدی با توجه به نوع متن و هدف مترجم ممکن است واژه، گروه، بند و جمله باشد.

بخش اول

مباحث نظری ترجمه قرآن

پیشینه ترجمه قرآن
ترجمه پذیری قرآن
انواع ترجمه های قرآن
فرایند ترجمه قرآن

